



HOLLYWOOD

پرده پوشی از غرب، نفرت آفرینی از اسلام ایران

علی اصغر سیاحت هویدا

مهریانی با زمین ارتباط دارند و همه با هم خوب هستند و همیشه پایانی خوش بر فیلم‌ها حاکم است و وهیچ شخصی، شخص دیگری را تهدید نمی‌کند، اما وقتی به فیلم‌های بعد از انقلاب اسلامی همین کارگردان که رجوع می‌کنیم - جنگ دنیاها - پر است از سمبلیسم، اتفاقات، افراد و صحنه‌هایی را نشان می‌دهد که یک اتفاق یا یک فرد آزادی همه‌ی جهان را تهدید می‌کند و موجوداتی سربرمی‌آورند که قرن‌ها زیر زمین بوده‌اند. در واقع روی زمین بوده‌اند و پنهان بوده‌اند و دیده نمی‌شدند و در این دوره از زمان از زمین بیرون آمدند و همه جهان را تهدید می‌کنند. در فیلم «جنگ دنیاها»، دو دیالوگ ماندگار وجود دارد که یکی از بچه‌ها از پدرش پرسید: این‌ها که به زمین حمله کرده‌اند تروریست هستند (منظور مسلمانان است)، پدرش جواب نمی‌دهد و همین صحنه دو سه بار اتفاق می‌افتد و ما شاهد همین صحنه در چندین جای این فیلم بودیم. اسپیلبرگ در مصاحبه با نیوزویک در پاسخ به این پرسش که: «تو منظوری داشتی از این سکانس؟»، می‌گوید: منظور من این بود که آنچه جهان را تهدید می‌کند تروریسم است و تروریسم یعنی اسلام؛ اسلام از جنسی که مرکز شرارت و کانون زلزله آن ایران باشد!

دکترین آنفولانزای نیویورکی^۱

مسئله ایران‌هراسی و اسلام‌هراسی سال‌ها است که از سوی آمریکا و اتحادیه اروپا دنبال می‌شود و در تحولات جدید وارد مرحله‌ای جدیدتر شده است. وقوع انقلاب اسلامی، فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر و... از جمله عواملی هستند که اسلام‌هراسی را وارد فاز جدیدتری کرده‌اند. در سال ۲۰۰۵، تونی بلر، شریعت و خلافت را به عنوان ایدئولوژی شیطان‌ی معرفی کرد؛ توصیفی عجیب زیرا شریعت تنها ساختار

در بین نام‌های دختر و پسر مشغول گشت و گذار بودم و از خودم می‌پرسیدم وای! چقدر اسم‌های عجیب و غریب زیاد شده است؟ چرا خانواده‌ها تا این اندازه به اسم‌هایی که ریشه‌ی وجودی آن‌ها دقیقاً معلوم نیست کجای تاریخ قرار دارد، تمایل پیدا کرده‌اند و واقعا این خانواده‌ها از کارهای این چنینی چه انگیزه‌ای دارند؟

از خودم این سوال را می‌کنم که برای چه این قدر ایران زیر ذره‌بین قرار گرفته است و چرا درباره انقلاب ایران حرف‌های خوب و بد زیاد شده است؟ واقعا انگیزه کشورهای اروپایی و آمریکایی از این همه تهدید سیاسی، اقتصادی و فرهنگی چیست؟

راستش سخت است در میان روزنامه‌ها و هفته‌نامه‌ها و ماه‌نامه‌ها به دنبال این حرف‌ها بگردی، به خصوص وقتی می‌بینی عده‌ای با جبهه‌گیری خاص خود به تعریف و تمجید از آمریکا و غرب می‌پردازند، ولی یک نکته وجود دارد که کار را برای من و شما آسان می‌کند. البته به شرط این که این کار را با حوصله و دقت انجام دهیم، مثلاً ببینیم و اقتصاد ایران قبل از انقلاب اسلامی و بعد از انقلاب اسلامی را مورد بررسی قرار دهیم، یا اوضاع سینماهای کشور و میزان فیلم‌های استاندارد و خوبی که در سال تولید می‌شد، یا حال سیاسی مملکت و روابط خارجی ایران را دقیق‌تر نگاه کنیم تا بلکه بتوانیم به نتیجه‌ای مستدل برسیم.

از همه این‌ها گذشته، باید بر روی این مسئله دقت کنیم که کارگردانان معروف و شاخص در هالیوود در قبل و بعد از انقلاب اسلامی چه کرده‌اند؟ مثلاً آیا تصادفی است که وقتی کارنامه‌ی استیون اسپیلبرگ را ورق می‌زنی به خوبی در ساختار تولیدی فیلم‌های او یک تفاوت بزرگ را احساس می‌کنیم.

اسپیلبرگ در اواسط دهه ۷۰ میلادی یا همان دوران قبل از انقلاب اسلامی در فیلمش دنیا و فضایی را ترسیم می‌کند که آدم فضایی‌ها در فضای

قانونی استفاده شده در کشورهای مختلف اسلامی است که با تعبیر جوامع غرب متفاوت است و خلافت به قانونی اشاره دارد که به وسیله خلیفه بنا نهاده شده بوده و ایدئولوژی نبوده اما در جوامع خاورمیانه تاریخی طولانی دارد. تونی بلر این برخوردها را نه تنها برخورد تمدن‌ها، بلکه جنگ میان غرب آماده نبرد و تروریسم اسلامی بیان می‌کند. در اقدامی مشابه، دیوید کامرون نیز گفته بود: «تیروی محرکه تهدید تروریستی امروز، بنیادگرایی اسلامی است.» وی در سال ۲۰۱۱ نیز در سمت نخست‌وزیری، با استفاده از واژه «افراط‌گرایی اسلامی» آن را به‌عنوان تهدیدی بالقوه توصیف کرد که موجودیت تمام تمدن را به خطر می‌اندازد.

به دنبال اسلام‌هراسی در اروپا، اقدامات سرکوب‌گرانه‌ای نسبت به شهروندان مسلمان انجام شد. در فرانسه پزیدنت ژاک شیراک مبارزه با حجاب را آغاز کرد و دولت، قانونی را در سال ۲۰۰۴ برای منع پوشش موهایی سر وضع کرد. از دی ماه سال ۱۳۸۰ که جورج بوش پسر، مسئله‌ی محور شرارت را مطرح کرد و نام چهار کشور یعنی ایران، سوریه، عراق و کره شمالی را در لیست تهدیدهای جهانی قرار داد، بعد از پنج، شش استراتژی که علیه ایران مطرح شد و همه شکست خورد، سالیان گذشته فضایی را علیه جمهوری اسلامی ایجاد کردند و دست به تبلیغات وسیعی علیه انقلاب اسلامی زدند و امروز زمان چین میوه‌های آن تهدیدها است. مدیر پروژه ایران در وزارت امور خارجه آمریکا فردی به نام نیکولاس برنز است، وی بسیار تندرو است و از افرادی است که به شدت ضد ایران و اسلام است. او رسماً اعلام کرده که ما پروژه‌ی نفرت‌سازی را در ایران دنبال می‌کنیم. این ویروس تحت عنوان دکترین آنفولانزای نیویورکی، پنج وجه دارد و متاثر از قطعنامه‌های شورای امنیت نهایی می‌شود و کانون هدف این طرح شهروندان ایرانی است. هر شهروند ایرانی باید این ویروس در او نهادینه شود و او نسبت به پنج وجه احساس و ایجاد تفرق بکند. وجه اساسی، نفرت از اسلام است. باید یک فرد مسلمان در جامعه ایران از مسلمان بودن خودش خجالت بکشد. باید در فضای رسانه‌ای جهان به گونه‌ای با او برخورد شود که خود او از اسلام و مسلمانی‌اش متنفر بشود. به همین دلیل است که دائماً در رسانه‌های گوناگون، بر ضد اسلام و به خصوص شیعه انقلابی تبلیغ می‌کنند. مهم‌ترین مسئله برای آنان این است که اسلام باید مرد تهاجم قرار گیرد و نهایتاً آن اسلامی پذیرفته شده می‌باشد که ما در تحلیل‌ها و سخنرانی‌های خود بیان می‌کنیم و بر اساس فیلم‌هایی است که می‌سازیم، مانند فیلم پنج مناره در نیویورک.

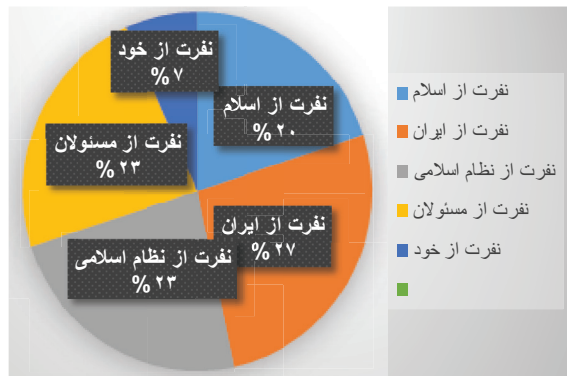
بخش دوم، نفرت از ایرانی‌ت است. هر فرد و شهروند ایرانی باید از ایرانی بودن خودش خجالت بکشد و شرم کند. بخش سوم، نفرت از نظام اسلامی است که باید در فرد نهادینه شود و از داشتن چنین نظامی احساس شرمندگی کند. باشیم که چنین نظامی را داریم و این جا است که آدمی به این می‌رسد که هیچ نکته‌ی مثبتی را نه در اسلام، نه در ایرانی بودنش و نه در نظام اسلامی‌اش می‌بیند، مدام در حال مقایسه است و به نظام خویش بد می‌گوید.

بخش چهارم، نفرت از رهبر و مسئولان کشور خویش است و در مرحله پنجم به مسئله آخر می‌رسیم که بخش جزء و پایین ماجرا است. در این گام نفرت از خود و خویشاوندان و اطرافیان و انسان‌ها مطرح می‌شود و بذر نفرت که در وجودش کاشته شده است مدام انرژی منفی متصاعد می‌کند و این مسائل برای بعضی از ما ایرانی‌ها عادی شده است. میدان عمل و نقطه‌ی آماج حملات دشمن، تصرف قلب‌ها و سیادت بر مغزها است که با دو روش کنترل حب و بغض و مراقبت از شک و یقین

افراد عمل می‌کند. در واقع نسبت به این پنج اصل اساسی که گفته شد، دشمن در جنگ نرم در حوزه مغز به دنبال ایجاد شبهه است و در حوزه قلب به دنبال ایجاد نفرت.

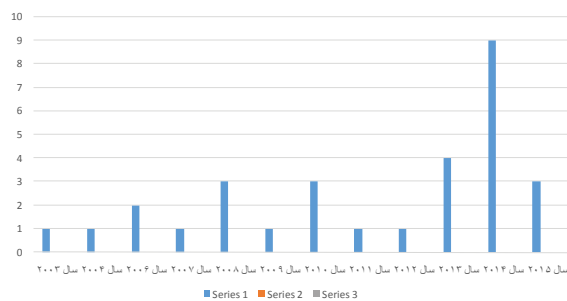
بررسی مصادیق

ما در بحث بررسی مصادیق نگاهمان را از مجموعه فیلم‌هایی که مستقیم به مولفه‌های آنفولانزای نیویورکی حمله کرده‌اند وسیع‌تر کرده‌ایم و نگاه‌های مستقیم و غیرمستقیم سیاسی و فلسفی را با هم مورد بحث قرار دادیم، ما قصد نقد جزئی فیلم‌ها را نداریم و به ارتباطی که فیلم با آنفولانزای نیویورکی دارد خواهیم پرداخت. از میان ۳۰ فیلم بررسی شده، به طور کلی در یک نمودار به بررسی سطح تنفر ایجاد شده در فیلم پرداخته می‌شود.



نمودار شماره ۱: سطح پراکندگی فیلم‌ها در ایجاد تنفر برای انسان ایرانی

جالب اینجاست که اگر هالیوود به دنبال سوژه برای نفرت و خشونت و بی‌رحمی است، کافی است به تاریخ خود غرب و جنایات آن رجوع کند و به بهترین سوژه‌ها و داستان‌ها دست یابد! این که چرا غرب به جای استفاده از تاریخ خود، به سراغ تمدن‌های دیگر به ویژه تمدن اسلامی می‌رود را باید در راهبرد اصلی هالیوود در بزرگ کردن تمدن غرب و تخریب تمدن‌های دیگر جستجو کرد.



نمودار شماره ۲: میزان پراکندگی سال تولید فیلم‌ها

الف) نفرت از اسلام

در باب اسلام و انقلاب اسلامی فیلم‌های زیادی ساخته شده است که جهت رعایت اختصار و اجمال، به نمایندگی از هر طیف فکری و ساختاری، یک فیلم را معرفی می‌کنیم.

فیلم «جنگ جهانی زد» به کارگردانی مارک فارستر و تهیه‌کنندگی براد پیت فیلمی است در ژانر وحشت-آلزامانی که بر اساس رمانی به

همین نام از مکس بروکس در سال ۲۰۱۳ ساخته شده است. این فیلم از آن دسته فیلم‌هایی است که به طور جدی وارد بحث زامبی می‌شود و به نوعی، نماینده تمام فیلم‌ها و سریال‌های مرتبط با زامبی‌ها می‌باشد. در واقع بحث از زامبی بعد از موج اسلام‌گرایی در غرب مطرح شد و به نوعی وقتی در کنار این فیلم، اقدامات اسلام‌گرایان افراطی و تروریست‌های داعشی قرار داده شود، پازل کاملی از وحشی بودن مسلمانان به رخ کشیده می‌شود.

فیلم «چهار شیر»^۲ یکی از مضحک‌ترین فیلم‌هایی است که درباره‌ی تروریسم و اسلام افراطی ساخته شده است. این فیلم به کارگردانی کریستوفر موریس در سال ۲۰۱۰ ساخته شده است و در واقع هدف از ساخته شدن این فیلم، حماقت افرادی است که در القاعده و طالبان به امر جهاد مشغول هستند.

در معرفی فیلم «پنج مناره در نیویورک»^۳ نیز باید گفت که سازنده این فیلم سعی دارد با نشان دادن واعظی روحانی که در مسجد و در حلقه مریدانش، آمریکا را شیطان بزرگ خطاب می‌کند، سخن تاریخی بنیانگذار نظام اسلامی ایران را که در کشورهای اسلامی به یک اصل استراتژیک بدل شده را با بنیادگرایی طالبانی مترادف سازد.

نوع برگزاری مراسم مذهبی در فیلم، به هیچ‌کدام از مراسم اهل تسنن و تشیع شباهت ندارد و بیشتر به نوعی صوفی‌گری افراطی شباهت دارد، بنابراین به دنبال تصویرسازی غلط از اسلام هستند و مسلمان واقعی را فردی معرفی می‌کنند که کاری به امر جامعه نداشته باشد و ضرورت‌های اسلامی مانند حجاب برای همسرش را ضرورت نداند و مسلمانی را فقط به عبادت شخصی محدود کند! به عنوان مثال؛ دو افسر پلیس ترک، فرات باران (محسون قرمزگل) و آکار آیدن (مصطفی سنندل) برای بازگرداندن حاجی گومش ره‌سپار آمریکا می‌شوند. ترکیب زوج‌هایی که در این فیلم در کنار هم قرار داده شده‌اند کارکردهای محتوایی لیبرالیستی اثر را افزایش می‌دهد.

در سویی دیگر، سینمای هالیوود با بازیچه قرار دادن ملائک و انبیاء برای سوژه سینمایی خود، به دنبال تحریف واقعی ایمان به غیب و ملائکه در انسان‌ها و شکستن حرمت بزرگ‌ترین انبیاء هستند. در فیلم «مالیفیسنت»^۴ که یک زن با سیمایی مانند آن چه درباره‌ی فرشتگان در افسانه‌های یونان باستان است، از قلمرو خود مراقبت می‌کند و نامش در واقع شرور شیطان است، کارگردان زمانی به او می‌گوید شرور شیطان (Maleficent) که در فیلم جز دفاع از حق خویش چیز دیگری دیده نمی‌شود. در فیلم «نوح»^۵ و «حضرت موسی»^۶ به وضوح تحریف تاریخی دیده شده و در آن نیز توهین به ملائک می‌شود. در واقع انسان با مشاهده این فیلم‌ها، تصویر غلطی از اتفاقات تاریخی و مذهبی و باورهای دینی در ذهنش به وجود می‌آید به گونه‌ای که گاهی اوقات به سختی می‌توان این تصورات را حتی با محکم‌ترین استدلال‌ها پاک کرد، شاید دلیل اصلی این مسئله تصرف این فیلم‌ها به حوزه قلب مخاطب است و به همین دلیل کاری از استدلال که در حوزه ذهن است بر نمی‌آید.

ب) نفرت از ایران

ساختار تمدن ایران از دیرباز زبان‌زد عام و خاص بوده است و با مطالعه بر روی بسیاری از بقایای تمدنی گذشتگان، به این نتیجه خواهیم رسید که از دیرباز مردم ایران افرادی متمدن، فهمیده و دارای درک درستی از موقعیت زمانی خویش بوده‌اند؛ مسئله‌ای که در هیچ یک از فیلم‌هایی که هالیوود درباره ایران ساخته است، بدان پرداخته نشده است.

فیلم «اسکندر»^۷ در سال ۲۰۰۴ در ایالات متحده آمریکا، انگلیس و آلمان به کارگردانی الیوراستون ساخته شده است. در این فیلم از ایرانیان با عنوان «بربر» به معنی وحشی نام برده می‌شود. سربازان لشکر داریوش همگی به شکل اعراب هستند؛ با لباس‌هایی کهنه و خجالت‌آور! اما در مقابل، سربازان لشکر مقدونیه

همگی منظم به تصویر کشیده شده‌اند. سلحشوری‌های اسکندر در فیلم بسیار به چشم می‌خورد. اسکندری که در تاریخ به بی بند وباری و انحراف جنسی شهره است چگونه در این فیلم به اسطوره تبدیل می‌شود؟!

در همین گونه از فیلم‌ها و در ادامه ساختار توهین به ایرانیان، فیلم «۳۰۰»^۸ محصول سال ۲۰۰۶ می‌باشد که با فروشی خیره‌کننده تبدیل به یکی از محبوب‌ترین آثار تماشاگران تبدیل می‌شود. در کنار فیلم ۳۰۰، فیلم «شبی با پادشاه»^۹ هم اکران می‌شود.

هر دو فیلم به خشایار شاه اشاره دارند اما تفاوت چهره در دو فیلم چقدر فاحش است:

ژانر نفرت و توهین هالیوود با فیلم ضعیف «قسمت دوم»^{۱۰} ادامه پیدا می‌کند و در آن به تحریفات بیشتری پرداخته می‌شود، مثلاً در تاریخ تنها زنی که خشایار شاه همیشه به او اعتقاد داشت و به حرف‌های او بیشتر از سایر فرماندهان اهمیت می‌داد، آرمیس است. این زن با چشمان آبی در فیلم ظاهر می‌شود و این نقطه جالب سینمای هالیوود است که به دنبال مصادره تمام اسطوره‌ها و افراد با لیاقت هستند. در فیلم «حکیم» یا «طیب» تمام توانایی‌های این سینا را به نام یک جوان اروپایی و مسیحی مصادره می‌کنند که برای تقیه در ایران خود را یهودی معرفی کرده است تا از گزند آسیب مسلمانان در امان باشد.

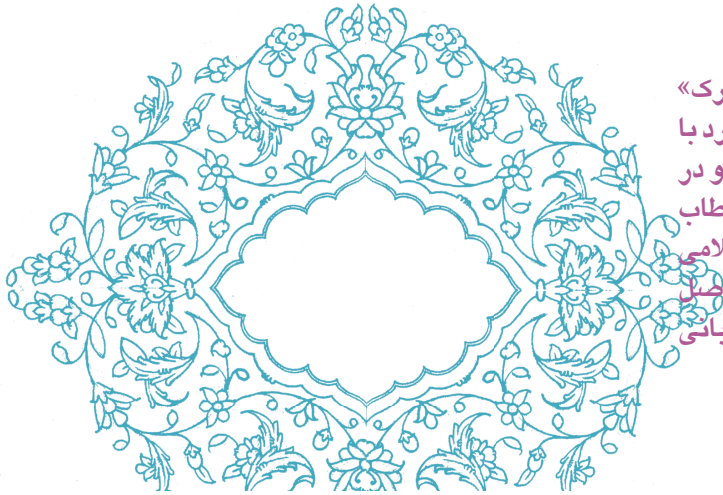
بنابراین آدمی با دین این فیلم‌ها - اگر به این باور برسد که حرف این فیلم‌ها درست است - از ایرانی بودن خویش دست خواهد کشید، اگر خود هم دست نکشد، تبلیغات رسانه‌ای استکبار جهانی با بازی‌های روانی خویش، ذهن مردم اروپا را در تسخیر داشته‌ها و دانسته‌های سیاسی خود قرار داده است و اگر کسی بخواهد به اروپا مهاجرت بکند لاجرم با این تاریخ سیاه و تاریک و وحشتناک باید ایرانی بودن خویش را پنهان کند!

در فیلم «کشتی گیر»^{۱۱} محصول سال ۲۰۰۸ نیز ماجرای کشتی گیر پا به سن گذاشته‌ای را بیان می‌کند که بیمار است و پس از سال‌ها دوری از ورزش به دلیل مشکلات جسمی برای آخرین بار به میدان نبرد پا می‌گذارد تا با حریف قدیمی‌اش یعنی آیت‌الله (ارنست میلر) مبارزه کند؛ مبارزه‌ای که ممکن است به قیمت جانش تمام شود. در این فیلم با نمایش کشتی ناچوانمراندن آیت‌الله و در نهایت شکست خوردن وی چه چیزی را می‌خواهد به صحنه بکشد؟ در سینمایی که نمادها سخن می‌گویند این نمایش و کشتی نشان از چه چیزی دارد؟

فیلم «رکن پنجم»^{۱۲} درباره اسناد ویکی‌لیکس صحبت می‌کند. در صحنه‌ای از این فیلم، یک دانشمند علوم هسته‌ای ایران در شهر قاهره با یک مأمور سازمان سیا در حال مذاکره درباره این موضوع است که ایران طی شش ماه آینده نمونه بمب هسته‌ای خود را آزمایش خواهد کرد. فیلم «مرد بله‌گو»^{۱۳} به کارگردانی پیتون رید و کمپانی برادران وارنر نیز تصویر بسیار زنده‌ای را از زن ایرانی به نمایش می‌گذارد. مردی که عادت کرده به همه «نه» بگوید، به یک کلاس می‌رود که افراد در آن جا نگاه تازه‌ای به زندگی دارند، روش خود را تغییر داده و در برابر همه چیز بله می‌گویند تا این که یک زن ایرانی به او پیشنهاد ازدواج می‌دهد و او می‌پذیرد. علت پیشنهاد از طرف زن به خاطر رفتن از ایران بوده و در واقع می‌خواهد بگوید ایرانیان برای خروج از کشور حاضرند هر کاری بکنند. زن ایرانی در فیلم حجاب دارد که مرد هم به خاطر داشتن عکس با این زن متهم به تروریست بودن می‌شود.

ج) نفرت از نظام اسلامی

فیلم‌هایی چون پرسپولیس، سنگسار ثریا، شرایط، ناهمتا، شورش و تک‌تیرانداز آمریکایی فیلم‌هایی هستند که به دنبال تخریب بنیاد اسلام‌گرایی شیعی



در معرفی فیلم «پنج مناره در نیویورک» نیز باید گفت که سازنده این فیلم سعی دارد با نشان دادن واعظی روحانی که در مسجد و در حلقه مریدانش، آمریکا را شیطان بزرگ خطاب می‌کند، سخن تاریخی بنیانگذار نظام اسلامی ایران را که در کشورهای اسلامی به یک اصل استراتژیک بدل شده را با بنیادگرایی طالبانی مترادف سازد.

در کمین آن‌هاست بی‌خبرند. این فرد خون آشام یک دختر چادری ایرانی است که پدرش «حسین» مردی دائم الخمر بوده و به همین دلیل دختر دچار مشکل می‌شود.

و این نفرتی است که ما نسبت به همدیگر احساس می‌کنیم، دشمن با این همه امکانات آمده است تا از درون ما را بیوساند و بنابراین تنها را مقابله با تفکرات انحرافی و شیطانی غرب و آنفولانزای نیویورکی، ایجاد اتحاد و همبستگی در میان مردم است. زمانی که مردم با هم باشند اتفاقی نمی‌افتد، اگر هم بیفتد با هوشیاری مردم جمع می‌شود ولی زمانی که تفرقه سنگ محک آزمایش قرار گیرد، آن گاه است که باید گفت دشمن دو نفر بودند ولی با هم و ما صد نفر هستیم، اما تنها راه مقابله با چنین رویکرد غرب در برخورد با اسلام و ایران، آگاهی بخشی نسل جوان چه در داخل و خارج دارد، آگاهی از تمدن اسلام و ایران که شاه بیت این آگاهی، شناخت اسلام راستین و چهرهٔ منور پیامبر اکرم (ص) نه تنها برای جوان غربی بلکه جوان ایرانی است، در کنار این رویکرد که رهبری معظم انقلاب به آن اشاره داشته اند، پرده برداشتن از واقعیت و حقیقت غرب و تمدنی است که بزرگترین ستم‌ها را به انسان و انسانیت وارد کرده است و امروز توسط غرب به ویژه در سینمای غرب بزک می‌شود.

پی‌نوشت‌ها:

۱. برای مطالعه بیشتر و تحقیق در این زمینه کلبه کرامت جلسه ۱۸ رجوع کنید.
2. World war z.
3. Four lions.
4. Five Minarets in New York.
5. Maleficent.
6. Noah.
7. Exodus Gods and Kings.
8. Alexander.
9. One Night with the King.
10. 300: rise of an empire.
11. The wrestler.
12. The fifth estate.
۱۳. یادداشت رسمی و ۴۰۰۰ کلمه‌ای ویکی لیکس طعنه‌ای کتابه‌آمیز به برخی تلاش‌های مضحک فیلم و عواملش برای بیان برخی توهمات ذهنی و حواشی کم‌اهمیت از جمله این مورد است که آسانز، بنیانگذار ویکی لیکس موهایش را رنگ می‌کند.
14. yes man.
15. Veep.
16. Robocop.
17. White House Down.

و انقلابی می‌باشند. در فیلم‌ها با سخره گرفتن حجاب، وحشتناک بودن حکومتی که در آن اسلام حکومت می‌کند و بازگشت افراد به قرون وسطی، نظام طبقاتی که همیشه درباره آن بحث بوده است، به دنبال رسیدن به این نتیجه است که حکومت لیبرالیستی بهتر از حکومت خشن ولایت فقیه و اسلامی است!

د) نفرت از مسئولان نظام اسلامی

تمسخر، توهین، ارائه الگوهای غلط و... تنها نمونه‌ای از مولفه‌هایی است که در فیلم‌های هالیوود درباره مسئولان نظام اسلامی گفته می‌شود. در یکی از قسمت‌های سریال «خانم وزیر»، رییس جمهور دالتون در پخش زنده تلویزیونی از قهرمانان اصلی ماجرای جلوگیری از کودتا علیه نظام جمهوری اسلامی، یعنی خانم وزیر، محافظ وی، و مرحوم زاهد جوانی قدردانی می‌کند. در واقع زاهد جوانی وزیر امور خارجه ایران است که در حین مذاکرات کشته می‌شود. در سریال «معاون رئیس جمهور»^{۱۵}، یک کمدی مبتذل با مسخره کردن رئیس جمهور ایران ساخته شده است و محوریت این فیلم بازداشت خبرنگار آمریکایی در ایران است.

فیلم‌های سینمایی «روبوکاپ ۶» و «سقوط کاخ سفید»^{۱۶} نیز از این دست فیلم‌ها می‌باشد. در نهایت باید به فیلم «آرگو» به کارگردانی بن افلک اشاره کرد که برداشتی آزاد از وقایع بحران گروگان‌گیری در سفارت ایالات متحده آمریکا در تهران است که در آن ۶ دیپلمات آمریکایی توانستند از منزل سفیر کانادا در تهران به خارج بگریزند. فیلمی که سه اسکار بهترین فیلم، بهترین فیلم نامه اقتباسی و بهترین تدوین را کسب کرد، در حالی که کارشناس رادیو فردا می‌گوید: «من فکر می‌کنم یکی از بدترین انتخاب‌هایی بوده است که در طول تاریخ اسکار شده است. من می‌خواهم با تاکید بگویم که شاید این بزرگ‌ترین غفلت و اشتباهی که در تاریخ اسکار شده است که یک فیلمی مثل آرگو که ابتدا فیلم خوبی نیست و ضعف‌های زیادی دارد بیاید و جایزه بهترین فیلم سال را بگیرد آن هم در سالی که قحطی فیلم خوب نبوده است.»

ه) تنفر از همدیگر

وقتی در دالان زمان گیر می‌کنی و نمی‌توانی تشخیص بدهی که الان خوابی یا بیدار، حالا که این جا ایستاده‌ای واقعیت است یا خیال، کمی گیج کننده می‌شود و اندک اندک کل زندگی‌ات را خیال فرض می‌کنی، این همان چیزی است که فیلم «تلقین» محصول سال ۲۰۱۰ به کارگردانی کریستوفر نولند به ما می‌گوید و با این که در فیلم «دختر تنها در شب به خانه می‌رود»، فضای فیلم شهر اشباحی را با نام «شهر بد» نشان می‌دهد، مکانی که نماد مرگ و تنهایی است، مردم شهر از وجود یک خون آشام که